



یکشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۴۵۸

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

بوشناسی!

خانم هولیتزر
برایم توضیح داد
که بطری‌های
رو به روی من
«مونه‌های بو» بود.



اشتازی به روشی
نیمه‌علمی برای «مونه‌پردازی از بو» به عنوان راهی
برای یافتن مرجمان دست پیدا کرده بود. فرضیه اصلی
این بود که همگی ما بوی منحصر به فردی داریم که روی
هر چیزی که لمس می‌کنیم به‌جای می‌گذاریم. این بوها را
می‌توان جمع‌آوری کرد و با کمک سگ‌های آموزش‌دیده
مقایسه‌هایی برای پیدا کردن نمونه مطابق آن انجام داد.
اشتازی سگ‌ها و بطری‌های خود را به مکانی می‌برد که
گمان می‌رفت یک جلسه غیرقانونی در آن تشکیل شده
تا ببیند آیا سگ‌ها می‌توانند بوی کسانی را تشخیص
دهند که راحهشان در بطری‌ها جمع شده بود.

آنا فاندرا / سرزمین مأمورهای مخفی
آدانستان‌هایی از پشت دیوار برلین!

ترگس حسنی

نشر مهرگان خرد - صفحات ۱۰ و ۱۱

سیدحسین امامی ورق را برگرداند...

حسین طهماسبی از اعضای سابق فداییان اسلام؛
در دوره شانزدهم صندوق‌ها را از مسجد سپهسالار
به فرهنگستان بردند. وقتی موضوع را به آقا [آوای]
گفتم، گفتند: «می‌خواهند ازای مردم را عوض کنند».
خبرنگاران را خواستند و گفتند: «انتخابات را باطل
کنید». گفتند: «چه جوری؟» گفت من کاری می‌کنم
که باطل کنید. طنین صدای گلوله مرحوم امامی در
مسجد سپهسالار انتخابات را باطل کرد و افرادی که به
مجلس رفتند به علت آن گلوله‌بود و الا کجای می‌گذاشتند
اقلیت به مجلس بروند؛ مثلاً کجا ممکن بود مصدق
وکیل مجلس شود، چه برسد به اینکه نخست‌وزیر شود
محمد رضا نیک‌نام از اعضای سابق فداییان اسلام؛
در آن روز دکتر مصدق در خیابان پشت دربار، پشت
دیوار، متحصن بود و دیگران هم هر کدام یک طرف
متواری بودند. در آن هیاهو مرحوم نواب می‌گفت: باید
کاری کنیم که در این انتخابات افراد خائنی که اینجا در
نظر دارند، روی کار نیایند. مرحوم آیت‌الله کاشانی هم
از ۱۵ بهمن ۲۷ به بهانه تیراندازی ناصر فخرآرایی به
شاه به لبنان تبعید شده بود. می‌خواستند از آقا قرائت
کنند که آقای عبدالحسین هژیر در مسجد سپهسالار
توسط شهید حسین امامی اعدام انقلابی شد و شهید
سیدحسین امامی ظرف ۲-۳ روز محاکمه و اعدام
شد. با اعدام امامی انتخابات باطل شد و اعلام کردند
که می‌خواهیم از نورای بگیریم. این دفعه در رأی‌گیری
بچه‌ها و دوستان جوان، اطراف هر صندوقی قدم
می‌زدند و چهره و قیافه آنها نشان می‌داد که از طرفداران
یادگار هستند. نتیجه آن شد که آیت‌الله کاشانی
با آنکه در لبنان بود، نماینده اول تهران شد!

عبدالرحمان حسینی‌فر

فداییان اسلام در کلام یاران
مرکز اسناد انقلاب اسلامی - صفحات ۹۳ و ۹۴

اقبال لاهوری غرب‌دیده غرب‌نژده!

اقبال لاهوری در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخ
اسلام متولد شد؛ دورانی که استعمار غرب چنگال خود
را در جهان اسلام فرو کرده بود و بسیاری از روشنفکران،
پیشرفت را در غربی شدن می‌دیدند. اما او مسیر دیگری
را انتخاب کرد و با وجود تحصیل در بهترین دانشگاه‌های
اروپا، از جمله کمبریج و مونپخ، هرگز مجذوب تمدن
غرب نشد و حتی برخلاف جریان رایج روشنفکری آن
زمان، پیشرفت را در احیای تمدن اسلامی می‌دانست،
نه در تقلید از غرب.

او به جای پذیرش فرهنگ استعماری، مسلمانان را
به اتحاد و بازگشت به خویشن دعوت کرد. به جای
استفاده از زبان استعمار، به زبان فارسی شعر سرود.
به جای تبلیغ سکولاریسم، از حاکمیت دین بر جوامع
مسلمان سخن گفت. به جای تجزیه و تفرقه، ایده
وحدت امت اسلامی را مطرح کرد. اما چرا اقبال برای
بیان تفکرات خود به زبان فارسی پناه برد؟ پاسخ را
باید در نقش استعمار انگلیس در حذف زبان فارسی
از شبه‌قاره جست‌وجو کرد. رهبر انقلاب در توصیف
این موضوع گفته‌اند: «هر جا انگلیس‌ها وارد شدند،
زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان
رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. در شبه‌قاره هند،
زبان فارسی چند قرن زبان رسمی بود؛ تمام‌نوشته‌جات،
مکاتبات دستگاه‌های حکومتی، دولتی، مردم، دانشوران،
مدارس عمده، شخصیت‌های برجسته، با زبان فارسی
انجام می‌گرفت. انگلیس‌ها آمدند زبان فارسی را با زور
در هند ممنوع کردند و زبان انگلیسی را رایج کردند».

اما با همه این عظمت، اقبال لاهوری در ایران و برای
مخاطب ایران تقریباً ناشناخته بود، درباره این ناشناخته
بودن رهبر انقلاب می‌گویند: «مردم ما که نخستین
مخاطب جهانی اقبال بودند، متأسفانه خیلی دیر با
اقبال آشنا شدند. وضعیت خاص کشور ما، بویژه سلطه
سیاست‌های منحوس استعمار، موجب شد اقبال هرگز
ایران را نبیند و همان سیاست‌هایی که اقبال، عمری
با آنها مبارزه می‌کرد، نگذاشتند ایده اقبال و راه اقبال
و درس اقبال، به گوش مردم ایران که برای شنیدن،
آماده‌ترین بودند، برسد».

پی‌نوشت:

- ۱- بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی
- ۱۳۹۱/۷/۲۳
- ۲- در مراسم گشایش کنگره بین‌المللی بزرگداشت
علامه محمد اقبال لاهوری - ۱۳۶۴/۱۲/۱۹
سیدعلی حسینی‌خامنه‌ای
ستاره بلند شرق
Khamenei.ir

پیامبر اعظم (ص)

امتم همواره در خیر و خوبی‌اند تا وقتی که یک‌دیگر را دوست
بدارند. نماز برپا دارند، زکات بدهند و میهمان را گرمی بدارند؛
پس اگر چنین نکند به قحطی و خشکسالی گرفتار می‌شوند.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی

مدیر عامل: رضا شکیبایی

سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ | تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ | نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیام‌سان: @vatanemrooz | پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه چاپ‌مجم برتر برنا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

پلتفرم‌های نشر آنلاین با وعده دسترسی آسان
عملاً بازار ناسالم و انحصاری تازه‌ای ساخته‌اند

هیچ چیز کاغذ نمی‌شود



در سال‌های اخیر با گسترش
فناوری‌های دیجیتال در حوزه
فرهنگ، کتاب نیز از گزند این
تحول در امان نمانده است.
آنچه روزگاری کالایی مادی

بود و بوی کاغذ و صدای ورق
زدنش جزئی از لذت خواندن به حساب می‌آمد، امروز در
قالب فایل‌های صوتی و نسخه‌های دیجیتال در اختیار
مخاطب قرار می‌گیرد. این تغییر ظاهر ناشناهی از پیشرفت
و مدرن شدن به نظر می‌رسد اما واقعیت فرهنگی و اقتصادی
ماجرای بویژه در ایران، بسیار پیچیده‌تر و نگران‌کننده‌تر از آن
است که با واژگانی چون «نواوری»، «سهولت دسترسی» یا
«همگامی با جهان دیجیتال» بتوان آن را توصیف کرد. در

سطحی‌سازی مصرف فرهنگی

نسخه‌های دیجیتال کتاب گاه قیمتی برابر یا حتی بالاتر
از نسخه چاپی دارند و این امر به هیچ وجه با منطق اقتصادی
وعده شده سازگار نیست. علت این تناقض در چند عامل
نهفته است: اول؛ نبود نظام قیمت‌گذاری شفاف در حوزه
نشر دیجیتال؛ دوم، تبدیل کتاب صوتی به کالایی نمایشی
و تجملی و سوم، شکل‌گیری شبکه‌ای از تولیدکنندگان و
واسطه‌هایی که ارزش افزوده واقعی ایجاد نمی‌کنند اما بخش
عمده سود را می‌برند. در حوزه کتاب صوتی، مساله ابعاد
فرهنگی‌تری نیز دارد. بسیاری از نسخه‌های ایرانی به جای
ترویج مطالعه، در واقع نوعی «مصرف فرهنگی سطحی» را
جانداخته‌اند. کتاب صوتی به جای آنکه در پدج‌های تازه برای
آنان که فرصت یا توان مطالعه ندارند باشد، به کالایی بدل

نسبت میان فرهنگ و بازار

رواج پلتفرم‌های کتاب صوتی در سال‌های اخیر نمونه
بارزی از وضعیتی است که در آن شرکت‌هایی که خود
را مروج فرهنگ کتاب‌خوانی معرفی می‌کنند، در عمل
بر پایه الگوریتم‌های بازارپسایی و جذب سرمایه فعالیت
دارند و دغدغه فرهنگی واقعی ندارند. بسیاری از آنها
حتی محتوای تولیدشده را از روی نسخه‌های چاپی بدون
اجازه مؤلف بازخوانی کرده و از آن درآمدزایی می‌کنند. از
سوی دیگر، کیفیت بسیاری از تولیدات صوتی نیز پایین
است؛ نه از نظر گویندگی، نه از نظر ویرایش صدا و نه از
منظر وفاداری به متن، استاندارد جدی رعایت نمی‌شود.
در چنین فضای مخاطب ایرانی نه‌تنها با «کتاب خوب»
مواجه نمی‌شود، بلکه اعتمادش به کل نظام تولید فرهنگی
نیز سست می‌شود.

نقشه جهان هنوز کاغذی است

امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازاندیشی در
مفهوم «کتاب» هستیم؛ اینکه کتاب صرفاً حامل اطلاعات
نیست، بلکه لحظه‌ای از تفکر است. حذف کتاب کاغذی،
حذف فاصله میان انسان و متن است؛ فاصله‌ای که امکان
تأمل، یادداشت‌برداری، بازخوانی و زیستن با کلمه را فراهم
می‌کند. در جهان دیجیتال، همه چیز در معرض حذف
است: صفحه، یادداشت، حتی خود متن. آنچه باقی می‌ماند،
تجربه‌های لحظه‌ای و بی‌ریشه از خواندن است. اگر نخواهیم در
این ورطه فروغلتیم، باید میان «نواوری» و «تابودی» تمایز
بگذاریم؛ باید به جای تقلید از الگوهای جهانی، سیاست
فرهنگی خود را بر مبنای نیاز و وضعیت جامعه ایرانی
بازتعریف کنیم. کتاب دیجیتال اگر از دل چنین سیاستی
بیرون آید، می‌تواند مکملی مفید باشد اما اگر همچنان در
فضای بی‌ضابطه و بازارزده امروز رها نشود، بزودی نه‌تنها

کتاب کاغذی نیست، بلکه این نسخه‌ها معمولاً برای اهداف
خاص مانند مطالعه دانشگاهی، حمل آسان یا صرفه‌جویی
در فضا مورد استفاده قرار می‌گیرند. در واقع کتاب الکترونیک
در غرب بیشتر به‌منزله «مکانی افزوده» است، نه جایگزین
بنیادین. این در حالی است که در ایران، جریان ترویج
کتاب دیجیتال و صوتی اغلب با نوعی مرعوب شدن در برابر
فناوری‌های نو همراه بوده و ماهیتی شبه‌ایدئولوژیک به خود
گرفته است؛ گویی هرچه دیجیتال باشد، لزوماً پیشرفته‌تر،
مدرن‌تر و آینده‌نگرتر است، بی‌آنکه به زمینه‌های فرهنگی،
اقتصادی و اجتماعی‌ما توجهی شود.

این نگاه مرعوبانه، نه‌تنها از سسوی برخی ناشران بلکه
حتی از سسوی نهادهای رسمی فرهنگی نیز تقویت شده
است. سیاست‌هایی که باید در جهت تقویت زیرساخت‌های

بدیهی است در این میان، آثار جدی و فلسفی و علمی جای
خود را به رمان‌های عامه‌پسند و متون انگیزشی می‌دهند.
نتیجه آنکه، برخلاف ادعای ترویج مطالعه، در عمل ما با نوعی
«غیراخلاقی شدن مطالعه»، روبه‌رو هستیم؛ یعنی مصرف
کتاب بدون مواجهه با متن، بدون مکث، بدون درگیری
ذهنی. از سوی دیگر، نشر دیجیتال در ایران عملاً به بستری
برای سوداگری جدید تبدیل شده است. بسیاری از ناشران و
پلتفرم‌ها با قراردادهای مبهم، درصدهای سنگین از فروش را
به خود اختصاص می‌دهند، در حالی که نویسنده یا مترجم
سهم اندکی می‌برد. نبود نهادهای نظارتی مؤثر و خلأ قانونی
در حوزه مالکیت فکری دیجیتال، موجب شده حقوق مؤلفان
و مترجمان در فضای مجازی به آسانی نقض شود. حتی گاه

فرهنگی و حتی سیاسی است. مقاومت در برابر حذف
مادیت کتاب، دفاع از حق اندیشیدن در برابر شتاب‌زدگی
است. نباید فراموش کرد تمدن ایرانی - اسلامی همواره
در پیوند با نوشتار و مادیت آن شکل گرفته است. ما در
سنت خود با کتاب به مثابه شیء مقدس و حامل معنا
روبه‌رو بوده‌ایم؛ از مصحف قرآن تا دیوان حافظ و شاهنامه
فردوسی. جدا کردن فرهنگ از مادیت کتاب، به معنای
گسست از تاریخی است که ما را ساخته است. با این همه،
سخن بر سر بازگشت به گذشته نیست. کتاب دیجیتال،
اگر در مسیر درست به کار رود، می‌تواند در خدمت توسعه
فرهنگی قرار گیرد اما این امر مستلزم چند شرط اساسی
است: نخست، شفاف‌سازی قیمت‌ها و رعایت حقوق مؤلفان
و ناشران؛ دوم، تفکیک روشن میان پلتفرم‌های فرهنگی

فقط برای صنعت نشر، بلکه برای خود فرهنگ.

در حالی که بسیاری در داخل ایران تصور می‌کنند دوره
کاغذ به سر آمده، توجه به این نکته به نظر لازم می‌رسد که
در باقی نقاط دنیا، میل و اقبال به استفاده از کتاب‌های کاغذی
در حال افزایش است. سال ۲۰۲۰ که به دلیل پاندمی کرونا
مصرف محصولات مثل کتاب بالا رفت، مبدأ خوبی برای
سنجش این موضوع قرار گرفت. در آن سال به طور مثال
۴۵ درصد مردم آلمان کتاب چاپی خریدند، در حالی که ۲۳
درصد کتاب الکترونیک خریدند. به طور کل می‌شود گفت از
همان سال آمار خریداران کتاب دیجیتال هم در سراسر دنیا
در حال بالا رفتن بود و همچنان هست اما آمار خریداران
کتاب کاغذی با درصد بالاتری رشد می‌کند. با وجود روندهای
دیجیتالی شدن، یک نظر سنجی در سال ۲۰۲۱ نشان داد ۶۸
درصد خوانندگان جوان (۱۸ تا ۲۹ ساله) در ایالات متحده،



نشر سنتی، حمایت از چاپخانه‌ها و توزیع کنندگان و
کاهش هزینه‌های تولید کتاب کاغذی باشد، در سال‌های
اخیر به سسوی تشویق بی‌ضابطه به دیجیتالی شدن سوق
یافته است. نتیجه آن، شکل‌گیری نوعی بازار موازی است
که نه شفاف است و نه مبتنی بر منطق حرفه‌ای نشر.
بسیاری از پلتفرم‌های فروش کتاب الکترونیک و صوتی با
تبلیغاتی فریبنده خود را جایگزین آینده‌نگر نشر معرفی
می‌کنند اما در عمل، با ایجاد انحصار و کنترل بازار، هم به
زبان نویسندگان و مترجمان و هم به ضرر ناشران سنتی
عمل می‌کنند. در ظاهر، کتاب دیجیتال و صوتی قرار
ببود هزینه‌ها را کاهش دهد؛ چون نه کاغذ می‌خواهد، نه
چاپخانه و نه انبار اما واقعیت بازار ایران خلاف این وعده‌ها
را نشان می‌دهد.

نسخه‌های غیرقانونی از کتاب‌ها در فضای آنلاین منتشر
می‌شوند، بی‌آنکه امکان پیگیری مؤثر وجود داشته باشد.
این وضعیت نه‌تنها عدالت فرهنگی را از میان می‌برد، بلکه
انگیزه تولید محتوای اصیل را نیز تضعیف می‌کند. باید اذعان
کرد فناوری در ذات خود نه خوب است و نه بد؛ مساله در نحوه
استفاده و نسبت ما با آن است. ما در ایران به جای آنکه
فناوری را در خدمت فرهنگ قرار دهیم، فرهنگ را در خدمت
فناوری گرفته‌ایم. یعنی به جای آنکه دیجیتال را وسیله‌ای
برای گسترش خوانش کتاب و تسهیل دسترسی بدانیم، آن را
به بت جدیدی در عرصه فرهنگی تبدیل کرده‌ایم. در نتیجه،
هر نواوری‌ای در این حوزه، پیش از آنکه به سنجش و نقد
درآید، با تحسین بی‌چون و چراروبه‌رو می‌شود.

وبگاه‌های صرفاً تجاری؛ سوم، آموزش عمومی برای
ارتقای سواد رسانه‌ای و تفکیک میان «مطالعه واقعی» و
«مصرف شنیداری» و چهارم، حمایت هدفمند دولت
از کتاب‌فروشی‌ها و ناشران مستقل در برابر سلطه بازار
دیجیتال. در نهایت باید گفت مساله ما نه «دیجیتال»
است و نه «کاغذ»، بلکه نسبت میان فرهنگ و بازار است.
اگر فرهنگ به مثابه کالا دیده شود، فناوری نیز در خدمت
سودآوری صرف قرار می‌گیرد و کتاب، چه صوتی باشد چه
چاپی، از شأن فرهنگی خود ساقط می‌شود. در مقابل، اگر
سیاست‌گذاران و نهادهای فرهنگی، همچنان که از سینما
و موسیقی ملی حمایت می‌کنند، به نشر به‌عنوان رکن
هویت فرهنگی بنگرند، می‌توان از فناوری نیز در جهت
تعمیق فرهنگ بهره گرفت.

کتاب‌های چاپی را ترجیح می‌دهند. در همین سال گذشته
۷۵ درصد بزرگسالان در ایالات متحده حداقل یک کتاب
در قالب‌های مختلف خوانده‌اند. ۳۲ درصد آنها ادعا می‌کنند
که فقط کتاب‌های چاپی می‌خوانند. ۳۳ درصد می‌گویند
هم کتاب‌های چاپی و هم کتاب‌های الکترونیک می‌خوانند و
فقط ۹ درصد می‌گویند فقط کتاب‌های الکترونیک می‌خوانند.
پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۹، بازار جهانی کتاب‌های
فیزیکی تقریباً به ۱،۹ میلیارد خواننده خدمات ارائه دهد، در
حالی که انتظار می‌رود کاربران کتابخوان‌های الکترونیک به
۱،۲ میلیارد نفر برسند. این آمارها و موارد مشابه این که از
سایر کشورها دنیا به دست آمده نشان می‌دهد بر خلاف جو
تازمواوری یا ذوق‌زده است یا مرعوب، روندهای کلی جهان
اینچنین نیست.

بدون وقفه کار کنید

پهنای باند اختصاصی رسپینا



021-92 00 00 00

www.respina.net